

ماهانامه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی قلم
| در این شماره می خوانیم:
| پروژه سپر طلایی
| جنبش دانشجویی
| حقوق بشر آمریکایی
| چالش رنگ آمیزی
| ذهن های رنگارنگ

صحنه

قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم



شناسنامه

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی

مدیر مسئول:

میر اصغر شمس

سردبیر:

محمد صالحی اول

مدیر اجرایی:

الهه طهمزی

دبیر واحد فرهنگی-اجتماعی:

زهرا متقی

دبیر واحد سیاسی:

رقيه شاکر

دبیر واحد تعلیم و تربیت:

شیوا اسمعیلی

دبیر واحد فناوری و رسانه:

راضیه شاکر

هیئت تحریریه:

دکتر علی انصاری ساتلو، دکتر حیدر پیرعلیلو، راضیه شاکر، رقیه شاکر، شیوا اسمعیلی، پریسا محمدی، محدثه فرزانه، فاطمه محمدزاده، لیلا محمدیان، خدیجه عبدالهی، فاطمه کلانتری، سارا بنیادی، مهدی حسین پور، سالار نصیری، سیدحنان موسوی، رضا ایمانی، علی ناصری

طراح جلد:

حسن عباس نژاد

صفحه آرا:

مهدی شکری فرد

t.me/shokrifard

ویراستار ادبی:

الهه طهمزی

ویراستار فنی:

محمد صالحی اول

روابط عمومی:

میر اصغر شمس

@qalam_journal

journal.qalam@gmail.com

فهرست

	بوی جوانی	۴		غدیر خم	۵
	چالش رنگ آمیزی ذهن های رنگارنگ	۶		قیام جاودانه	۷
	چرا جام زهر؟	۸		قلم	۱۰
	تبیین	۱۱		حرف حساب سند تحول	۱۲
	میرمؤمن	۱۳		جنبش دانشجویی	۱۴
	سه شبیه ساز برتر اندروید	۱۶		ایرانگرد	۱۷
	حقوق بشر آمریکایی	۱۸		پروژه سپر طلایی	۲۰
	ادبیات کودک و نوجوان	۲۲		بسیج	۲۳

کلیه حقوق اعم از محتوا و قالب طرح محفوظ بوده و متعلق به بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی می باشد.

«ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ»

«ن، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند».

قلم زبان ثانی انسان‌هاست. قلم بیانگر فکر و فرهنگ و هویت ملت‌هاست. هویت، چیستی و قلمرو قلم بسیار گسترده تر از آن است که در بیان بگنجد. قلم ترسیم‌کننده‌ی خطوط فکری، سیاسی، اجتماعی و ادبی صاحب قلم است. قلم پرده‌گشای راز آفرینش و هدایتگر عقل‌ها و فکرهاست. قلم است که مایه‌ی نورانیت دل‌ها و جان‌هاست. قلم است که چون از دل سخن گوید و از سر اخلاص به جولان آید، بر دل‌ها نشیند. قلم رمزی است به سوی حقایق عالم و چراغی است برای نجات و سعادت.

عرض ادب و احترام خدمت همراهان بزرگوار نشریه که ما را در راستای تحقق اهدافمان همراهی کردند. شماره‌ی جاری ماحصل نور اندیشه و چراغ قلم هیئت تحریریه است. این اندیشه و تفکر و روحیه‌ی خودباوری دانشجویان پرتوان و پرانگیزه است که توانسته‌ایم امروز این ماهنامه را به دیدگاه شما ارائه دهیم. بسیار خرسندیم که توانستیم نشریه‌ی دانشجویی با اهداف و باورهای معرفتی بر پایه‌ی آگاهی و بیداری قلم بزنییم که مخاطب آن، قشر فرهیخته و بیدار جامعه از نوع دانشجوی و معلم باشد. امید است که نشریه به همت و تلاش، همراهی و تعامل دوستان تحریریه پرقدرت‌تر و مؤثرتر از قبل در این راه ادامه دهد. این شماره از ماهنامه قلم، تخصیص به مطالب مناسب‌تری فرهنگی، اجتماعی و سیاسی روز جامعه و جوانان پرداخته است. امیدواریم پس از مطالعه این شماره از نشریه، ما را در شماره‌های بعدی آن همراهی کرده تا بتوانیم تعاملی مؤثر و مفید داشته باشیم.

و من الله توفیق

بوی
جوانی

سکوت کرکننده و قیر شب
تنها نمود این دره شوم است
وفی الحال، انگار، جوانه گیاه سبز عمر خشکیدن گرفته
همین طور بیابان را، باد آشفته کرده
برگ سبز جوانی، رنگ باخته
فرسودگی بی داد می کند
آسمان زمین را، تنها رها کرده
و این جا قابی است پرده در پرده
اما کورسویی از امید پیداست
رنگی از امید نمایان است
رخنه‌های بین پرده‌ها
شاهدان من مست کرده
این بار دست تمنا برده‌ام بالا
زمزمه من این است
یا رب مددی ساز!
ساز شود حال من
حال این تنهای بی‌ساز
زهی جان بخش بر این فرسوده گشتی!

تا برهانی‌ام از ترس فرو رفتن
از تلاطم این امواج منفی
از تاریکی این دنیای سختی
و ما چشم به راه فرجیم
مبادا خیره بمانند نرگسان
مبادا بد عادت شوند به این تصاویر زشت.
لکن ما سبز می‌شویم
مثل دیروز، مثل هر روز
و نور در قلب ما می‌تابد
و همین طور آب می‌تراود در وجودمان
سبز می‌شویم
ریشه‌هایمان به بوی نم خاک می‌رسد
بوی جوانی می‌شنوم
و خدا یار باشد بر این
یار باشد همین
تا رنگ بازند این شبان غمین
تا غیب شوند این لحظه‌های حزین
تا بشنویم از بلبلان، نرم طنین.



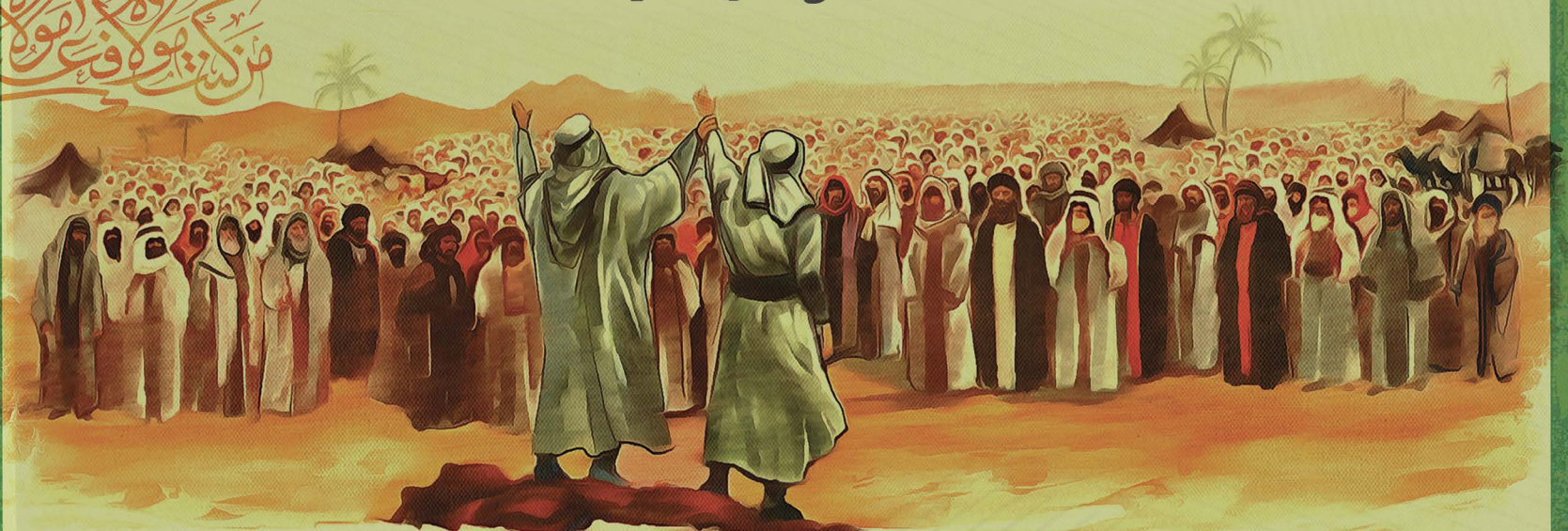
غدیر خم

از قدسیان ندای عید ولایت آمد
وحی خدا به جان پاک شریعت آمد
یا ایها الرسول بلغ اشارة آمد
بر اصل پیوایی، راه هدایت آمد
صوت الصلاة یار میر جماعت آمد
دست علی (ع) به دستش، ختم رسالت آمد
این جمله بر زبانش ثلثاً کرارت آمد
تبریک و تهنیت بر مولای امت آمد
بر عالم تشییح، نور عدالت آمد
اینک به خاندانم، خاص امامت آمد
بر مقتدای عالم، حکم خلافت آمد

ای عاشقان، خدا را پیک بشارت آمد
پایان موسم حج در کوی وصل جانان
بر این که آنچه از حق بر تو فرود گشته
فرمان حضرت حق در این حجاز وادی
انبوهی از جمعیت، تجمیع سرزمینی
بر امر کبریایی سوی فراز تلی
آوای کنت مولا هَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ
اکملت دینکم و اتممت نعمتی گفت:
هاتف از عرش اعظم سر داد بخبخ
در خاتم خطابت فرمود: هَنْتُونِي
آیین حق پرستی، انصاری از غدیر است

دکتر علی انصاری سائلو

غدیر خم



چالش رنگ آمیزی ذهن های رنگارنگ

تفاوت و رنگارنگی دانش آموزان در استعداد و علاقه های آنها به دروس مختلف، یکی از چالش هایی است که معلمان در کلاس درس با آن مواجه هستند. بعضی از بچه ها در فارسی، برخی در ریاضی، بعضی در ورزش یا هنر و برخی در دروس عملی یا آزمایشگاهی مثل علوم، استعداد و علاقه نشان می دهند. در یکی از کلاس های ریاضی پایه سوم که تدریس می کردم، تعدادی از بچه ها خیلی شلوغ و پر جنب و جوش بودند و توجه کمی به درس ریاضی نشان می دادند و استعداد چندانی در این درس پرماجرا نداشتند. با این حال بین این بچه ها دانش آموزانی هم بودند که علی رغم کمبود استعداد، تلاش می کردند تا ریاضی را بهتر یاد بگیرند. در این حالت بود که من نیز به حکم وظیفه و یا حتی در پاسخ به تلاش بی وقفه آنها، باید یک مطلب را چندین بار و به چندین روش مختلف توضیح می دادم تا بالاخره آن مسئله را یاد بگیرند. در عین حال تعدادی از دانش آموزان هم خیلی زود مطالب را یاد می گرفتند؛ حتی با یک اشاره جزئی به مسئله، خودشان سوالات را فوراً حل می کردند.

این وضعیت متناقض و تفاوت بین دانش آموزان، باعث می شد که دانش آموزان زنگ در زمان های توضیح چندین باره، حوصله شان زود سر برود. مکرراً می گفتند: کی درس بعدی را می خوانیم؟ یا کی کلاس تمام می شود؟ خانوم! میشه لطفاً یک موضوع رو چندین بار تکرار نکنید! به خدا یادگرفتیم! یا خودشان را به کارهای دیگر مشغول می کردند و نظم کلاس را به هم می زدند. حتی گاهی به دانش آموزان دیگر می گفتند: چرا این قدر سوال می کنید؟ چرا این مسئله ساده را متوجه نمی شوید؟ و ... به این خاطر اختلاف هایی هم بین بچه ها ایجاد می شد و باعث می شد برخی از دانش آموزان از هم دیگر خوششان نیاید و بر رابطه دوستی آنها نیز اثر بگذارد. حال بماند که باید تلاش می کردم تا بچه های شلوغ را

نیز آرام کنم و توجهشان را به درس جلب کنم. تعادل ایجاد کردن بین دانش آموزان کلاس و کنترل این موضوع، کار دشواری است و تلاش و همت زیادی را از سوی معلم می طلبد. این دانش آموزان نیاز به صرف وقت، توجه و همچنین تمرین و تکرار بسیاری دارند. یکی از تصمیم های من برای حل این مشکل، چنین بود:

قبل از شروع کلاس درس، چند سوال طراحی می کردم و آنها را در اختیار دانش آموزانی که زودتر از دیگران مطلب را دریافت می کردند، می گذاشتم تا هنگام توضیح تکراری دروس، اذیت نشوند. در عین حال که با روش های مختلف تدریس می کردم، این دانش آموزان را به حل سوالات سخت و زمان بر تشویق می کردم. با این کار، هم برای خودم وقت می خریدم و هم حوصله ی بچه های زنگ سر نمی رفت و تمام دانش آموزانم با چالش همیشگی درس ریاضی مواجه نمی شدند. با یک تیر چند نشان می زدم.

معلمی، شغل انسان سازی است و این مهم، نشان دهنده ی عظمت شأن و جایگاه معلم در مواجهه با رسالت وی است. هر معلمی بایسته و شایسته است نهایت تلاش خود را در جهت رشد و تعالی دانش آموزانش صرف کند؛ اما گاهی به جهت کمبود امکانات و تعداد زیاد دانش آموزان در یک کلاس درس، معلم به سختی می تواند به تک تک دانش آموزان با توجه به ظرفیت و استعدادهای آنها توجه لازم را بکند تا پیشرفت کنند و استعدادهایشان را کشف و شکوفا کنند. حتی در برخی موارد با سرکوب هایی که از طرف بچه های دیگر ناخواسته اتفاق می افتد، بعضی دانش آموزان اعتماد به نفسشان را از دست می دهند. امیدوارم پاره ای از این مشکلات با افزایش امکانات و تعداد کلاس های درس، به گونه ای که به هر کلاس حداکثر 20 دانش آموز اختصاص داده شود، حل شده و همه ی دانش آموزان بتوانند با توجه به ظرفیت های متنوع و متفاوت شان، رشد و پیشرفت کنند.

فاطمه محمدزاده

قیام ۱۵ خرداد یک قیام مردمی بر علیه رژیم فاسد و شخص شاه بود و همه‌ی گرایش‌های سیاسی و مذهبی را در بر می‌گرفت؛ چرا که قیام‌کنندگان، بازاریان، کاسبان، دست‌فروشان، دانشجویان، دانش‌آموزان و ... بودند. قیام ۱۵ خرداد به افسانه‌ی جدایی دین از سیاست پایان بخشید. بدین‌سان اسلام راستین که تا دیروز جایی در محافل علمی و روشنفکری نداشت، در میان نسل تحصیل‌کرده و به‌ویژه دانشگاهیان راه یافت و گام به‌گام گسترش پیدا کرد و زمینه‌ساز پیروزی انقلاب اسلامی شد.

پانزدهم خرداد ۴۲، عاشورای ملت ایران اسلامی است. روزی است که مردم ایران اسلامی با پیروی از نهضت حسینی، ارزش‌های والای انسانی را به نمایش گذاشتند. به همین دلیل بود که پیر فرزانه انقلاب (ره) چنین فرمودند: «روز ۱۵ خرداد در عین حال که چون عاشورا، روز عزای عمومی ملت مظلوم است، روز حماسه‌آفرینی و بزرگداشت ارزش‌های انسانی در طول تاریخ است». قیام ۱۵ خرداد نقطه عطف انقلاب است. خون‌هایی که در ۱۵ خرداد ریخته شد، در سال ۵۷ به بار نشست. در پی دستگیری شبانه امام راحل، قیام‌ها و راهپیمایی‌هایی آغاز شد و باعث شد تا جرقه‌های انقلاب اسلامی روشن شود. حکومت به دلیل واهمه‌ای که از مردم پیدا کرده بود، تظاهرات را سرکوب کرد. به دلیل افزایش شهدای این قیام سرنوشت‌ساز، امام (ره) ۱۵ خرداد را برای همیشه عزای عمومی اعلام کرد.

پانزده خرداد رویدادی روحیه‌آفرین برای ملت تحقیر شده و تضعیف‌گشته ایران در طول سال‌ها حکومت پهلوی بود. حکومت پهلوی با تصویب قوانین به نفع خارجی‌ها و دادن اجازه به بیگانگان به‌خصوص دولت‌های غربی برای دخالت در امور ایران، شخصیت و هویت ملت ایران را زیر سوال برده بود. قیام ۱۵ خرداد شروعی برای مردم شریف ایران، برای بازیابی هویت از دست رفته‌اش بود که به رهبری امام خمینی (ره) به پیش رفت.

لیلا محمدیان



در عصر عاشورای سیزدهم خرداد ۱۳۴۲، حضرت امام خمینی (ره) طی سخنرانی تاریخی خود در مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم هیولای بزرگ زمان، یعنی شاه را می‌شکند و او را بیچاره و بدبخت خطاب می‌کند و به دل‌ها شجاعت و جسارت ارزانی می‌دارد تا مردم به پا خیزند. حضرت امام با سخنرانی خود چنان رعب و وحشتی بر اندام رژیم پهلوی وارد می‌کند که رژیم تصمیم به مقابله‌ی جدی با نهضت مردمی می‌گیرد. ساعت ۳ بامداد روز ۱۵ خرداد مأموران ساواک به منزل امام هجوم آورده و امام را دستگیر و در بازداشتگاه باشگاه افسران، زندانی و سپس به زندان قصر منتقل می‌کنند. خبر دستگیری حضرت امام در قم و سپس در تهران و سایر شهرها منتشر می‌شود. مردم قم برای حمایت از رهبرشان در خیابان‌ها دست به اعتراض می‌زنند. مردم معترض تهران نیز به خیابان‌ها می‌ریزند. کشاورزان غیور و کفن‌پوش ورامین و روستاهای اطراف تهران به معترضین می‌پیوندند. بسیاری از بازاری‌ها و دانشگاهیان و اقشار مختلف مردم با فریادهای «یا مرگ، یا خمینی» و «مرگ بر شاه» لرزه بر اندام طاغوتیان می‌اندازند. شاه دستور تیرباران مردم بی‌دفاع را صادر می‌کند. عده‌ای از مردم شهید می‌شوند و رگبار مسلسل‌ها مردم را یکی پس از دیگری نقش بر زمین می‌کند. خیابان‌های تهران به حمام خون تبدیل می‌شود. شهرهای شیراز، تبریز و مشهد نیز به قیام ملحق می‌شوند و تعداد زیادی، شهید، مجروح یا زندانی می‌شوند.

* چرا جام زهر؟ *

«خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده‌های معظم شهدا و بدا به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سرکشیده‌ام و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ، احساس شرمساری می‌کنم. قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است.»

امام خمینی (ره)

اما چرا جام زهر؟

اگرچه علت این تعبیر هرگز از سوی امام در دوران حیاتشان بیان نشد، اما می‌توان حدس زد امام برای پذیرش خاتمه جنگ عراق با ایران، به دنبال تحقق یک سری شروط بودند. از جمله این شروط بیرون راندن نیروهای عراق از تمام سرزمین‌های اشغال شده ایران، پرداخت غرامت جنگ تحمیلی به ایران، حفظ تمامیت ارضی ایران، اعلام رسمی عراق به عنوان متجاوز در جنگ با ایران بود (در حالی که در قطعنامه اولیه، از ایران خواسته شده بود که سریعاً خاک عراق را ترک کند و به عبارتی ایران را متجاوز نشان می‌داد).

در هنگام پذیرش قطعنامه ۵۹۸، بسیاری از شروط امام، محقق نشده بود و در نتیجه پذیرش آن ممکن بود منجر به ضایع شدن حقوق ایران شود. در نتیجه می‌توان گفت امام پذیرش این صلح تحمیلی را به نوشیدن جام زهر تعبیر کردند.

* حال سوال این جاست، چرا جام زهر را نوشیدند؟

امام از همان ابتدا با صلح تحمیلی مخالف بودند. ایشان حتی دو هفته قبل از پذیرش قطعنامه نیز هر گونه تردید در ادامه جنگ را خیانت به اسلام تعبیر کردند و قاطعانه خواستار ادامه مقاومت بودند. در کنار مواضع امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری نیز که آن زمان در پست ریاست جمهوری قرار داشتند با صلح تحمیلی مخالفت می‌کردند.



ایشان در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۶۱ در ملاقات با فرستاده ویژه ای امارات متحده عربی می فرمایند: «اگر کسانی بخواهند صلح غیر عادلانه را به ما تحمیل کنند، مورد قبول ما نخواهد بود؛ زیرا ما صلح تحمیلی را هم مثل جنگ تحمیلی ناگوار و غیر قابل تحمل می دانیم. اگر متجاوز مجازات نشود، ریشه تجاوز در منطقه برچیده نخواهد شد».

امام خمینی (ره) در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۶۷ - روز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران - فرمودند: «من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوهی دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم؛ ولی به واسطه ی حوادث و عواملی که فعلاً از ذکر آن خودداری می کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد، دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم».

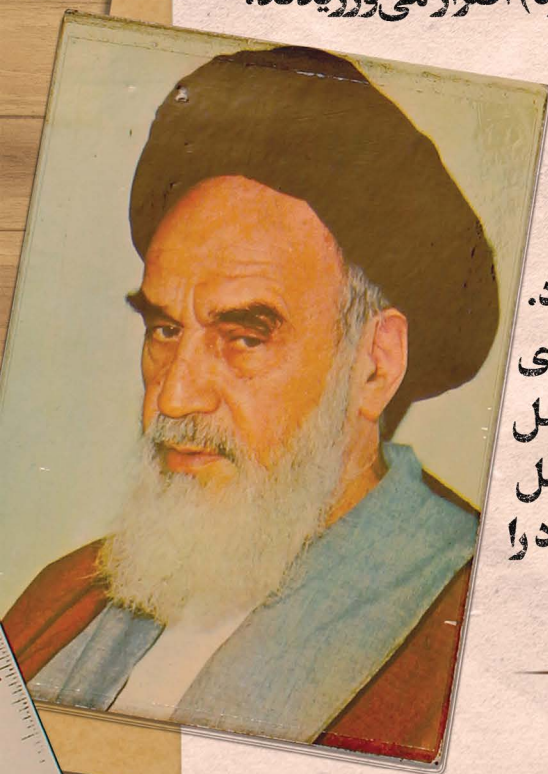
حال به عوامل پذیرش این صلح تحمیلی می پردازیم. طبیعتاً یکی از این عوامل، فشار جامعه جهانی به جمهوری اسلامی برای اتمام هر چه سریع تر جنگ بود. چرا که کشورهای غربی به شدت نگران پیروزی کامل ایران بودند. از طرفی حمله ناو جنگی وینسنس آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران و مرگ حدود ۳۰۰ مسافر در تنگه هرمز، فشارهای وارد شده بر جمهوری اسلامی مبنی بر پذیرش قطعنامه را افزایش می داد. با وجود همه این عوامل باید گفت که عوامل داخلی و دوگانگی های موجود درون کشور، در پذیرش صلح تحمیلی، بی تأثیر نبود.

پس از فتح خرمشهر در سال ۶۱، دو استراتژی برای پایان دادن جنگ وجود داشت: سقوط صدام و نابودی حزب بعث عراق که استراتژی امام (ره) بود و دیگری راهبرد نبرد برای کسب صلح که شیوه برخی چهره های سیاسی و اجتماعی جامعه محسوب می شد. وقتی بذر تردید افشاند شد، به تدریج نگاه ناامیدانه به پیروزی قاطعانه و کامل جمهوری اسلامی، گسترش یافت. بسیاری از کارگزاران دولت نیز، فشار اقتصادی و کمبود بودجه را بهانه کرده و برای پذیرش قطعنامه به امام (ره) اصرار می ورزیدند.

این در حالی است که سازمان برنامه و بودجه کشور، بعدها اعلام می کند که سهم بودجه دفاعی از سهم بودجه عمومی کشور در طول جنگ، هیچ گاه از ۱۵ درصد فراتر نرفت و همواره بین ۱۲ تا ۱۵ درصد متغیر بوده است.

از طرفی اصولاً وقتی کشوری درگیر جنگ می شود، فعالیت های مرتبط با جبهه و جنگ باید در صدر امور قرار بگیرد، اما در واقعیت هیچ گاه چنین اتفاقی رخ نداد. این در حالی بود که کشور عراق همه امکاناتش را در جنگ گذاشته بود و حتی برای پیشبرد بهتر کارها، تمام فعالیت های عمرانی غیرمرتبط با جبهه را به حداقل رسانده بود. در نتیجه ی عوامل و حوادث مختلف و عدم پشتیبانی کامل دولت از جنگ، امام (ره) ناچار به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شد و جام زهرآلود را سرکشید.

راضیه شاکر





قلم

قلم به دست گرفته بود و تندتند می‌نوشت. هر از گاهی هم اعصابش خورد می‌شد و کاغذ مچاله‌شده را به سمتی پرت می‌کرد. از صبح یک‌ریز می‌نوشت، حتی ناهار هم نخورده بود و اعصابش از دیروز متشنج بود؛ چون کتابش تأییدیه نگرفته بود. آن‌هم کتابی که هشت ماه تمام برایش وقت گذاشته بود. حال به خانه برگشته بود و عقده‌هایش را سر قلم و کاغذ خالی می‌کرد. حالش عجیب گرفته بود. معتقد بود بی‌خودی جلوی چاپ کتابش را گرفته‌اند؛ شاید هم چون جوانی بیش نبود و فکر می‌کردند که کتابش خوب نگارش نشده، آن را رد کرده بودند. هرچه بود اعصابش در خط‌خطی‌ترین حالت ممکن بود. به یک‌باره به خودش آمد و دید دور و برش پر از کاغذ مچاله‌شده است. از صبح فقط بی‌هدف نوشته بود و کاغذ هدر کرده بود. حتی وقتی خواهرش برای ناهار دعوتش کرده بود، به تندی با وی برخورد کرده بود. مداد را روی میز پرت کرد. بس بود گوشه‌نشینی.

بلند شد و لباسش را پوشید و از خانه بیرون زد.

همین‌که از خانه بیرون آمد با نم‌نم باران روبه‌رو شد. انگار آسمان هم به حال او گریه می‌کرد. اما آخر چرا؟ استاد که خیلی از کتابم تعریف می‌کرد و می‌گفت قطعاً مجوز چاپ می‌گیری، پس چه شد؟ چرا همه‌ی بدشانسی‌ها بر سر من آوار شد؟ هی با خودش می‌گفت و نم‌نم باران رفته‌رفته شدت می‌گرفت. از سرما جاننش لرز گرفته بود. کنار دیوار جایی برای نشستن پیدا کرد تا حداقل خیس نشود، اما ناگهان نگاهش به کودکی جلب شد. کودک ریزه‌میزه، عروسکی به دست گرفته بود و قصد عبور از خیابان را داشت. توجهی هم به اطراف نداشت، انگار مثل او از دنیا بریده بود. یک‌دفعه عروسک از دستش ول شد؛ خم شد تا عروسک را بردارد که ناگهان صدای بوق اتومبیل هشیارش کرد. همه چیز در کسری از ثانیه اتفاق افتاد. او از جای جهید و دخترک ترسان را به عقب کشید. عروسک له شد، اما دخترک زنده ماند. خوشحال بود از اینکه توانسته بود نجاتش دهد. مادر دخترک با شنیدن صدای دخترش آمد و از خانم نویسنده، کلی به خاطر نجات دخترش تشکر کرد؛ آن‌قدر تشکر کرد که حس قهرمان بودن به او دست داد. درست بود که

کتابش چاپ نشده بود و زحماتش به هیچ‌انگاشته شده بود، اما خوشحال بود که حداقل دخترک نجات یافته بود.

بنای رفتن به خانه گرفت که خانم صدقی، همان فردی که خبر از چاپ نشدن کتاب به او داده بود، زنگ زد. گوشی را برداشت، بعد از حال و احوال‌پرسی گفت که ظاهراً تشابه اسمی بوده و او را با نویسنده دیگری اشتباه گرفته‌اند. قلبش به جای خون، شادی پمپاژ می‌کرد. باورش نمی‌شد که این همه برای هیچ و پوچ ناراحت شده بود. شاید چون جان دخترک را نجات داده بود، خدا به حال او هم نظری کرده بود. هر چه بود، بار دیگر به قلمش ایمان آورد و با روی باز به خانه برگشت. روز قلم بر عزیزان هم‌قلم مبارک باد.

تبیین

لَعْنَةُ الْكٰفِرِيْنَ



دعوت شهید بهشتی به جهاد تبیین:

«دعوت من از برادران و خواهران عزیز همین است که در زمینه حق، گذشت نکنید. چون فقط خیانت به یک مورد معین نیست؛ بلکه کمک به ضعیف شدن روح حقیقت‌جویی و حق‌پرستی در جامعه است. جامعه را تاریک می‌کند. نمی‌گذارد چهره‌ی حق درخشندگی گیرد و جذاب خودش را داشته باشد».

به همین خاطر در آیه ۱۵۹ و ۱۶۰ سوره‌ی بقره، خداوند فقط یک راه برای «کتمان‌کنندگان حق» باز می‌گذارد. می‌گوید: این‌ها مستوجب لعن خدا و لعن همه‌ی لعنت‌کنندگان هستند، مگر آن‌ها که از این راه، یعنی راه کتمان برگردند و می‌گویند: «وَبَيِّنُوا». باید به جبران آن گناه بزرگ پردازد؛ یعنی اکنون باید «تبیین» کنی و حق را بگویی. آن وقت لطف و کرم و رحمت خداوند بر تو باز می‌گردد.

این روایت را شنیده‌اید که یکی از بالاترین مراحل جهاد، گفتن کلمه‌ی حق در برابر صاحب قدرت ستمگر است؟ چون خطر آن جاست که حق پنهان شود؛ آن‌جا خطر بزرگ است. وگرنه اگر سعی کنیم چهره‌ی حق را بی‌حجاب و ناپوشیده در برابر دیده‌های فطرت نگه داریم، کشش آن به قدری زیاد است که همواره فطرت‌ها و دل‌ها می‌جوشد و می‌خروشد و در راه حکومت حق تلاش می‌کنند.

پریسامحمدی

حرف حساب سند تحول

تا به حال چند بار عبارت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را شنیده‌اید؟ ده‌ها بار؟ صدها یا هزاران بار؟ چرا این قدر این عبارت تکرار شده و می‌شود؟ علت چیست؟ بیهوده در ذهنتان دنبال دلیل و علت نگردید. علت زمانی آشکار می‌شود که بدانیم حرف حساب سند تحول چیست؟ در ادامه از ابتدا تا انتهای سند تحول را گام به گام بررسی می‌کنیم.

تحقق ارزش‌ها و آرمان‌هایی متعالی انقلاب اسلامی، مستلزم تلاش همه‌جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. عرصه‌ی تعلیم و تربیت، از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی همه‌جانبه‌ی کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه‌ی انسانی کشور در عرصه‌های مختلف است. تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان، در گرو تربیت انسان‌های عالم، متقی، آزاده و اخلاقی است. تحقق این هدف، نیازمند ترسیم نقشه‌ی راهی است که در آن نحوه‌ی طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم‌کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد و این نقشه‌ی راه، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. گرچه در سه دهه‌ی گذشته تلاش‌های وافر و قابل تقدیری از طرف مسئولان و دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی کشور به عمل آمد که خوشبختانه نتایج مثبت و مفیدی نیز بر جای گذاشته است؛ لیکن هنوز آموزش و پرورش با چالش‌های جدی روبه‌رو است.

این سند در ۸ فصل و ۶۴ صفحه تدوین شده است. فصول این سند به ترتیب عبارت‌اند از: کلیات، بیانیه‌ی ارزش‌ها، بیانیه‌ی مأموریت، چشم‌انداز، هدف‌های کلان، راهبردهای کلان، هدف‌های عملیاتی و راهکارها، چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین.

نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی: نهادی است اجتماعی و فرهنگی و سازمان‌یافته که به عنوان مهم‌ترین عامل انتقال، بسط و اعتلای فرهنگ در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت آماده‌سازی دانش‌آموزان جهت تحقق مرتبه‌ای از حیات طیبه در همه‌ی ابعاد را بر عهده دارد که تحصیل آن مرتبه، برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد.

تعلیم و تربیت: فرایندی تعالی‌جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه‌های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم می‌سازد.

حیات طیبه: وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، بر اساس نظام معیار اسلامی و مبانی و ارزش‌های مقبول دین الهی است که تحقق آن باعث دستیابی به غایت زندگی، یعنی قرب‌الی‌الله خواهد شد.

اصطلاحات به کار رفته در کل سند، در فصل اول تعریف شده‌اند. از جمله مهم‌ترین تعاریف‌ها در ادامه آورده شده است. این تعاریف بنیان‌های فکری یک معلم سازمان تعلیم و تربیت و همچنین نظام اسلامی را می‌سازد. تأمل در این تعاریف، اولین گام تفهیم و تحلیل سند تحول است.

میر مؤمن

إِلَهَ الْعَالَمِينَ بِرَمْنٍ نَظَرَ كُنْ!
 قَدَمِهَايَ مَلُوكِ پَادشاهی
 نَبُوتِ خَتْمِیتِ یَابَدِ چینی
 زِ حَجِّ آخِرِینِ بَرگَشْتَه رُوزِ
 زِ پَالانِ سَتُورانِ سَاخْتِ کُوهی
 أَلَا یَا أَيُّهَا النَّاسِ مُسْلِمَانِ
 هَرِ آنِ کَسِ رَفْتَه بَازِ آیدِ زِ مَنزَلِ
 ((نَبُوتِ رَا نَبِیِّ الْخَاتَمِینِمْ
 نَزُولِ آیتِ لُوحِ الهی
 عَلی مَولایِ آنی بَاشدِ امروز
 از آن دَسْتَشِ بَگِیَرَدِ بَرَفِرَازدِ
 بَه بَیعتِ کُردنی خَواهدِ جَمعیّتِ
 أَلَا ای اُمَّتِ اسْلَامِ پیروزِ
 عَلی و زَادگانِ اِثْنَا عِشْرَتِ
 هَرِ آنِ کَسِ دَامَنِ ایشَانِ بَگِیَرَدِ
 سَرایِ جَاودانِ دَاریدِ اِگَرِ بُو
 عَلی رَا مَیْرِ مَؤْمَنِ نَامِ خَواندی
 سَزَدِ حَقِ رَا بَه هَرِ جَا پَادشایِ

مرا یاری نما صد باره بی چُن!
 خوش آگین شد به دستور الهی
 محمّد را به وحی (اکملت دینی)
 به چاهی می‌رسد با آه و سوزی
 به معروف، امر و از هر بد، نکوهی
 زِ حَقِ بَرِ مَن رَسیدِ اینگونه فرمان
 هَرِ آنی نَارَسیدِ، آیدِ بَه تَعَجَلِ
 امامت را وصی حَقِّ دینم
 به آخر می‌رسد خواهی - نخواهی
 که مَن کُنْتُ بَه مَولاهُ در این روز))
 سخن‌های هدایت درن‌وازد
 کسی را در توان باشد حمیّت؟
 علی و آل او باشد سر افروز
 امامت می‌کند بر این امارت
 بهشت جاودان وی را پذیرد
 به هر منزل هزاران یاعلی گو
 به جای اکرم خاتم نشاندی
 سپاس بی حَـدِ یکتا خدایی

مهدی حسین پور



جنبش دانشجویی، از نهضت تا تمدن

تبریز و تهران، فعال بودند. هر چند جو دانشگاه بیشتر در اختیار حزب توده و کمونیست‌ها بود، اما مرزبندی آن‌ها با مسلمان‌ها چندان متمایز نبود.

در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲، ریچارد نیکسون، معاون رئیس جمهور آمریکا، به اتفاق همسرش به تهران آمد که تظاهرات وسیعی در اعتراض به ورود او برگزار شد و منجر به درگیری شدید میان پلیس و مردم گردید. در جریان این حوادث، سه تن از دانشجویان شهید و عده‌ای بازداشت شدند. از آن سال به بعد، روز ۱۶ آذر به عنوان مبدأ جنبش دانشجویی ایران ثبت شده است.

از سال ۱۳۴۴ به بعد، جو سیاسی دانشگاه‌ها رادیکالیزه شد؛ اما فعالیت‌ها و تشکل‌های سیاسی علنی در محیط دانشگاه‌ها وجود نداشت و افراد مذهبی عمدتاً در هیئت‌های مذهبی و انجمن‌های دینی با یکدیگر ارتباط داشتند و مسائل قرآنی، اخلاقی و دینی در آن‌ها مطرح بود. از این‌رو، تا سال ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ در اثر خفقان شدید، تحرک سیاسی قابل توجهی در سطح دانشگاه‌ها دیده نمی‌شود. در سال ۱۳۴۹، اگر چه پاره‌ای اقدام مسلحانه از سوی سازمان‌های چریکی صورت گرفت، اما شدت خفقان هنوز به حدی بود که دانشجویان از انجام اقدامات فراگیر درمانده بودند.

در اواخر مهرماه سال ۱۳۵۰، دانشکده فنی دانشگاه تبریز به دنبال دو هفته اعتصاب و تحصن دانشجویان تعطیل گردید. در بهمن ماه همین سال، عده‌ای از اعضای دستی‌گرفته گروه‌های دانشجویی، محاکمه و اعدام شدند.

از سال ۱۳۵۰، نیروهای مذهبی رو به بالندگی و رشد گذاشتند و گرایش بیشتری به خواندن ایجاد شد. مطالعه آثار استاد شهید مطهری که اغلب بر پایه‌های نظام فکر دینی استوار شده بود، در تغییر موازنه قوا به نفع دانشجویان مذهبی نقش مهمی داشت.

جنبش دانشجویی نقش مؤثری در تاریخ معاصر ایران داشته است. زیرا دانشجویان را می‌توان یکی از گروه‌هایی دانست که به دلیل آشنایی و آگاهی بیشتر از جریان‌های سیاسی-اجتماعی، حضور آنان در تمامی صحنه‌های انقلاب کاملاً محسوس و پررنگ است. این حضور از سال‌ها پیش از انقلاب با شکل‌گیری جنبش دانشجویی آغاز گردید. اما پس از چندی با انگیزه احیای تفکر دینی و رد روشن‌فکری غربی و الحاد شرقی در بستر تاریخ انقلاب اسلامی و در دانشگاه تهران رخ نمود. آنچه این حضور را تداوم می‌بخشید، پیام‌های شورانگیز رهبر کبیر انقلاب اسلامی مبتنی بر استقامت تا دستیابی به پیروزی بود و همان پیام‌ها، ۱۳ آبان ۵۸ را که نقطه اوج جریان‌های دانشجویی قبل از انقلاب به شمار می‌رود، رقم زد.

هر چند پیش از دهه ۳۰، چند برخورد سیاسی ضد دولتی را می‌توان در دانشگاه‌های ایران مشاهده کرد، اما تقویم جنبش دانشجویی ایران از ابتدای دهه ۳۰ آغاز می‌شود. در فاصله ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۰، که دوره مبارزات نهضت ملی شدن نفت است، دانشگاه‌های



پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یک حرکت مردمی فراگیر در کشور به وجود آمد و دانشگاه را نیز در بر گرفت. دانشگاه در این دوره، یکی از پایگاه‌های عمده تحرک سیاسی در جامعه بود. در داخل دانشگاه، گروه‌بندی‌های مشخصی وجود داشت و حتی کسانی که در سطح جامعه آرای اندکی را به خود اختصاص می‌دادند، در دانشگاه دارای شکل مشخصی بودند. تشدید درگیری میان این گروه‌ها در دانشگاه‌ها و پیامدهای اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان



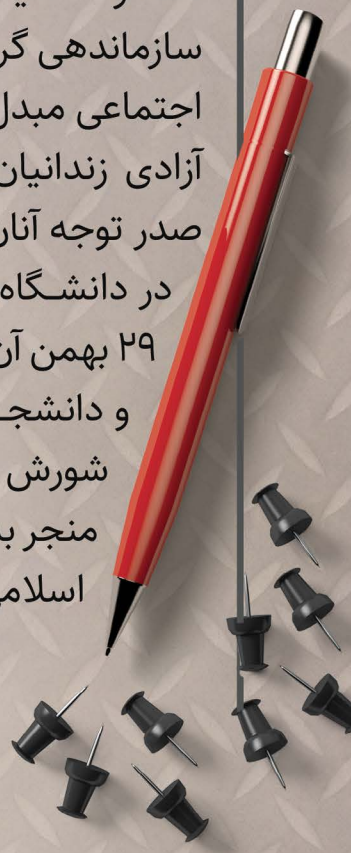
مسلمان پیرو خط امام، به تعطیلی دانشگاه‌ها منجر شد. با پایان جنگ تحمیلی وضعیت گذشته پایان گرفته، بحث‌ها و اختلاف نظرهایی که در دوره جنگ مسکوت مانده بود، ابتدا به صورت ضعیف مطرح و سپس به صورت آشکار توسعه یافت. در این زمان، شاهد شکل‌گیری جناح‌بندی‌های سیاسی جدیدی در سطح جامعه و سپس در دانشگاه هستیم و تشکل‌های دانشجویی جدیدی پدید می‌آیند.

در بخش عمده تاریخ جنبش دانشجویی، این قشر به عنوان چشم بینای جامعه عمل کرده است. به بیان عمیق‌تر، در دهه ۳۰، جنبش دانشجویی از خواسته مردم پشتیبانی نمود. با آغاز نهضت امام خمینی، دانشجویان در کنار امام و با پیروی از معظم له به حمایت از مردم به مقابله با رژیم ستم شاهی پرداختند. حال با اینکه حدود ۴۵ سال از انقلاب اسلامی می‌گذرد و این انقلاب وارد گام دوم شده، اهمیت تشکل‌های دانشجویی بیش از پیش نمایان می‌شود. چرا که انقلاب به سمت تمدن‌سازی می‌رود و پس از گذراندن گام اول یعنی ایجاد ثبات، وارد گام دوم یعنی گسترش و پیشرفت شده است. این دانشجویان و جنبش دانشجویی است که می‌تواند یکی از پیشران‌ها و موتورهای محرک باشد تا گام دوم و حتی گام‌های بعدی سریع‌تر و وسیع‌تر طی شوند و روزبه‌روز به تمدن اسلامی نزدیک‌تر شویم.

در ۱۱ اسفند ۱۳۵۳، خبر تشکیل حزب رستاخیز اعلام شد و شاه گفت: «هرکس عضو حزب نشود، اجنبی است و باید از ایران برود». امام خمینی نیز از نجف فتوای حرمت عضویت در این حزب را صادر کرد. در دانشکده‌ها دفاتر ثبت‌نام در حزب رستاخیز قرار دادند و فشار زیادی به دانشجویان آوردند. دانشجویان مقاومت کرده و بر دیوارها شعار می‌نوشتند. «بیزید زمان بیعت می‌طلبد»؛ «مرگ بر حزب رستاخیز». به تدریج حجاب اسلامی دانشجویان پررنگ‌تر گردید. تا قبل از سال ۱۳۵۲ در دانشگاه‌ها کمتر بانوی محجبه‌ای دیده می‌شد؛ ولی اکنون برای نشان دادن مرزبندی‌ها، هر گروهی از نمادهای خاص خود استفاده می‌کردند که برای مسلمانان این نمادها عبارت بودند از حجاب، پوشش و نماز. گسترش جلسات مذهبی و دعوت از چهره‌های مذهبی-سیاسی توسط دانشجویان، یکی دیگر از نشانه‌های موقعیت رو به اعتلای دانشجویان مسلمان در سال‌های ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ بود.

تهیه و تکثیر اعلامیه‌های امام خمینی در سطح دانشگاه به یک اقدام جدی مبدل شد و موجب پیوندهای اعتقادی-عاطفی دانشجویی گردید. تجربه‌های بزرگداشت ۱۵ خرداد، در سال ۱۳۵۵ نیز تکرار شد و این روز را نه به یک حرکت دانشجویی، بلکه به یک حرکت مردمی و ملی تبدیل کرد.

در طول سال ۱۳۵۷، دانشگاه‌های کشور به پایگاه انقلاب تبدیل شدند. کلاس‌ها تعطیل شد و تظاهرات سیاسی برای سرنگونی رژیم از دانشگاه‌ها سازماندهی گردید. جنبش دانشجویی به یک جنبش اجتماعی مبدل شده و خواسته‌های انقلابی، مبنی بر آزادی زندانیان سیاسی و بازگشت امام خمینی در صدر توجه آنان قرار گرفت. در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۷ در دانشگاه تبریز، به مناسبت چهلم شهدای قیام ۲۹ بهمن آن شهر، تظاهرات عظیمی صورت گرفت و دانشجویان با سنگ به مصاف گلوله رفتند. شورش خونین ۱۸ اردیبهشت دانشگاه تبریز منجر به تعطیلی این دانشگاه تا پیروزی انقلاب اسلامی گردید.



۳ شبیه‌ساز برتر اندروید



LD PLAYER

این شبیه‌ساز بهترین انتخاب برای ادغام سیستم عامل اندروید و ویندوز است. چرا که می‌تواند تجربه‌ی بازی اندروید شما را بدون توجه به اجراکننده‌ی بازی ارائه دهد و کیفیت بسیار بالای بازی شما را تضمین کند و همچنین کاملاً رایگان است.

با وجود این که شبیه‌ساز LD Player نسبتاً جدید و ناشناخته است، اما کار فوق‌العاده‌ای در شکستن سد بین بازی‌های موبایل و رایانه‌ی شخصی انجام می‌دهد. شما می‌توانید انواع مختلف بازی‌ها را بدون توجه به این که چقدر پیچیده یا حجیم هستند، با این برنامه به طور کامل در رایانه شخصی خود اجرا کنید و به جای این که باتری و صفحه‌ی لمسی گوشی خود را خراب کنید، به سادگی از رایانه قدرتمند خود با ماوس، صفحه کلید یا کنترل استفاده کنید. علاوه بر موضوعات ذکر شده، این شبیه‌ساز منتخب دارای قابلیت‌هایی چون کنترل‌های سفارشی، عملکرد چند نمونه‌ای، ماکروها و البته گرافیک بالا و عملکرد FPS نیز هست.



Blue Stacks



این برنامه معروف‌ترین، پراستفاده‌ترین، پرامتیازترین و بهترین شبیه‌ساز اندروید برای Windows 10 و Windows XP، Windows 7، Windows 8/8.1 است. برخلاف سایرین، Blue Stacks به شما این امکان را می‌دهد تا چندین برنامه و بازی اندروید را به طور هم‌زمان اجرا کنید. علاوه بر این، آخرین به‌روزرسانی آن، اولین و تنها پلتفرم بازی را نشان می‌دهد که دارای اندروید 7 است. در حالی که اکثر شبیه‌سازهای اندرویدی دیگر، اندروید 4 را اجرا می‌کنند. این بدان معناست که شما از یک موتور گرافیکی ارتقا یافته استفاده کرد و بازی‌هایتان را سریع‌تر و زیباتر اجرا می‌کنید.



MEMU

این برنامه یک شبیه‌ساز عالی اندروید است که فقط برای یک هدف ایجاد شده است: بازی. این ابزار با پشتیبانی از چیپ‌ست‌های AMD و Intel بر روی هر کامپیوتری قابل اجرا خواهد بود. علاوه بر این، گرافیک شگفت‌انگیزی را برای بازی‌هایی که در رایانه شخصی خود شبیه‌سازی می‌کنید، ارائه می‌دهد. رابط کاربری نیز از نظر دسترسی و گزینه‌های کنترلی بسیار رضی‌کننده است. همچنین Memu این فرصت را به شما می‌دهد تا فایل‌ها را به راحتی از ویندوز به اندروید منتقل کنید. برای این کار فقط کافیست آن‌ها را به ابزار اضافه کنید. از بین تمام ویژگی‌های آن، مهم‌ترین مواردی که باید به آن توجه کنید عبارتند از: اشتراک‌گذاری فایل‌ها بین اندروید و ویندوز کامپیوتر، شبیه‌سازی موقعیت مکانی GPS، تماشای برنامه‌های زنده و کانال‌های تلویزیونی، نصب سریع APK، تجربه عالی با یک دسکتاپ کاربر با طراحی خوب.





غار نمکدان قشم
Salt Cave Of Qeshm

ایرانگرد



غار نمکدان قشم، بزرگ‌ترین غار نمکی جهان است و ۶۶۰۰ متر طول دارد. این غار در ۹۰ کیلومتری شهر قشم و ۲ کیلومتری ساحل واقع شده است.



داخل غار چه شکلی است؟

در کف غار نمک قشم، جریان‌هایی از آب نمک قابل مشاهده است که منظره‌ی فوق‌العاده‌ای را برای بازدیدکنندگان پدید می‌آورد. این جریان آب در دل کوه نمکدان، به طور یک جریان دائمی زیرزمینی است و راه را به خارج از این غار می‌گشاید. رطوبت هوای جزیره و نفوذ آب در غارها، سبب چکیده شدن آب نمک اشباع شده بر بدنه‌ی قندیل‌ها می‌شود و باعث به وجود آمدن پیوسته این قندیل‌ها می‌شود. در مقابل غار نمک قشم، حوضچه‌ای طبیعی به رنگ سفید وجود دارد که آبی که از دل این غار بیرون می‌آید، درون آن جمع می‌گردد و به صورت یک چشمه نمک در دامنه کوه جلوه‌گری می‌نماید. این چشمه در تمام طول سال جریان دارد. در بخش‌های داخلی غار نمک نیز جریان آب قابل مشاهده است. جالب است بدانید که گاهی آب نمک موجود در غار، همانند آینه تصاویر را منعکس می‌کند و این خود باعث به وجود آمدن منظره‌ای زیبا و بی‌نظیر در این منطقه می‌گردد. بستر اصلی این چشمه، رنگی سرخ دارد و می‌توان رسوبات گل‌آخرا (خاک نسوز) را در آن مشاهده کرد. مجسمه‌های نمکی شکننده، رودخانه‌های نمکی و خفاش‌های کوچک، مواردی هستند که می‌توانید انتظار دیدن آن‌ها را داشته باشید.

درون غار، نور کافی وجود ندارد، پس برای نگاه دقیق‌تر به بدنه‌ی قندیل‌ها کافی است یک چراغ‌قوه پر قدرت به همراه داشته باشید. طی تحقیقات انجام شده، تنفس از هوای داخل غار می‌تواند به بهبود بیماری‌های تنفسی مانند آسم کمک کند. همچنین نمک‌های داخل غار خاصیت دارویی دارند، پس از چشیدن آن‌ها نترسید!

غارهای نمکی مثل غار نمکدان قشم معمولاً در گنبد‌های واقع در مناطق گرم و کم‌بارش تشکیل می‌شوند. نقشه‌برداری‌ها نشان می‌دهد که بام گنبد نمکی قشم، کاملاً ناهموار است و به دلیل شیب بسیار زیاد دیواره‌های تپه، امکان بالارفتن از آن و رسیدن به بام وجود ندارد. محققان فهمیده‌اند که در قسمت بام گنبد، حجم سنگ‌های نمک کمتر می‌شود و بیشتر سنگ گچ وجود دارد.

اگر که شما اهل گردشگری و سفر هستید، امیدواریم با مطالعه این مطلب، شور و شوق سفر در قلب شما بیدار شده و کوله‌بار خود را برای بازدید از آن‌جا ببندید.

فاطمه کلانتری و سارا بنیادی

حقوق بشر آمریکایی

موشک‌ها به بال سمت چپ و دم هواپیما به درون آب سقوط کرد و ۲۹۰ مسافر آن، همگی آسمانی شدند.

بلافاصله پس از این حادثه، مقامات آمریکایی تلاش کردند با بازی رسانه‌ای، خود را در این اقدام تروریستی بی‌گناه نشان دهند و ابتدا مدعی شدند به اشتباه تصور کرده‌اند شیء محرک، یک فروند هواپیمای جنگی اف ۱۴ جمهوری اسلامی ایران است و به همین دلیل آن را مورد هدف قرار داده‌اند. ادعایی که طبق شواهد و اسناد به دست آمده، رد شد. علاوه بر آن اثبات شد در زمان پرتاب موشک، ناو آمریکایی ۴ کیلومتر وارد آب‌های ایران شده بود؛ یعنی ناو متجاوز در درون کشور به هواپیمای مسافربری ایرانی دو موشک شلیک کرده بود! همچنین آمریکا ادعا می‌کرد هواپیما خارج از دالان هوایی پرواز می‌کرده و رزم ناو آمریکایی نیز هفت بار اخطار رادیویی برای آن مخابره کرد ولی در پی آن جوابی دریافت نکرده است. درحالی که مطابق اسناد و مدارک موجود، هواپیمای شماره ۶۵۵ در مسیر پروازی خود و در دالان تجاری آمبر ۵۹ در حال پرواز بوده است. همچنین دلایل و قرائن نشان می‌دهد که ناو جنگی ایالات متحده، پیام‌های رادیویی هواپیما را مبنی بر غیرنظامی و مسافری-تجاری بودن آن دریافت کرده و از آن مطلع بودند.

صبحگاه ۱۲ تیر ۱۳۶۷، تنها چند روز مانده به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل و اتمام جنگ تحمیلی، پرواز مسافربری شرکت هواپیمایی ایران ایر با شماره‌ی ۶۵۵ از تهران به مقصد دبی همراه با خدمه و مسافری، فرودگاه را ترک گفت. حدود ساعت نه و سی دقیقه صبح، هواپیما در فرودگاه بندرعباس به زمین نشست و طبق برنامه‌ی همیشگی آماده‌ی سوخت‌گیری مجدد و سرویس‌های دیگر شد. پس از انجام تمامی خدمات و با صدور اجازه‌ی پرواز از برج مراقبت، پرواز ۶۵۵ با ۲۷۴ مسافر (۴۶ مسافر غیرایرانی و ۶۶ کودک زیر ۱۳ سال) و ۱۶ خدمه پروازی از خلیج فارس به سمت مقصد نهایی خود اوج گرفت و در مسیر پروازی مشخص شده به راه خود ادامه داد.

از آن‌سو، ناو جنگی وینسنس آمریکایی با رادارهای نیرومند خود در حال اسکن کردن منطقه بود که ناگهان کاپیتان راجرز، شیء ناشناسی را بر روی صفحه‌ی رادار مشاهده نمود. پس از نزدیک شدن هواپیما به ناو جنگی، کاپیتان دستور آماده کردن دو فروند موشک را صادر کرد. چند لحظه بعد از قفل کردن موشک‌ها بر روی هدف، کاپیتان دستور شلیک داد. سرانجام پرواز ۶۵۵ درحالی که فقط ۲۸ دقیقه تا مقصد فاصله داشت، با برخورد



منتشرشده توسط وزارت امورخارجه کشور را مطالعه کنید).

مقام معظم رهبری در یکی از سخنرانی‌های خود درخصوص حقوق بشر آمریکایی می‌فرمایند: «آمریکایی‌ها می‌گویند ما طرفدار حقوق بشریم! ما می‌گوییم اصلاً شما حقوق بشر را قبول ندارید. شما معتقد به حقوق کمپانی‌ها و سرمایه‌داران بزرگ آمریکایی هستید. شما معتقد به منافع نامشروع رژیم آمریکا در سراسر دنیا هستید».

این بخش از بیانات رهبر انقلاب به‌خوبی نشان می‌دهد، طرفداری از حقوق بشر توسط آمریکا، تنها ادعایی برای فریب افکار عمومی و ایجاد فشار است. به‌عبارتی می‌توان گفت حقوق بشر آمریکایی، یعنی حقوق کسانی که من تعیین می‌کنم تا حدی که من می‌گویم و هر زمانی که من می‌خواهم!

گرچه این جنایت در کنار جنایات بی‌شمار دولت آمریکا، در پرونده سیاه استکبار جهانی ثبت شد؛ اما بستر مناسبی است تا دوباره نگاهی به شعاردهندگان حقوق بشر بیندازیم و پیشینه و وضعیت کنونی آن‌ها را بررسی کنیم. دولت‌هایی که امروزه بر سر هر اتفاق کوچک و بزرگی شعار نقض حقوق بشر سر می‌دهند؛ درحالی‌که چهره‌ی واقعی آن‌ها در جنایتشان علیه فلسطین و یمن، استعمارگری، بردگی آفریقایی تبارها، نژادپرستی، اعمال غیرانسانی علیه سیاه‌پوستان، به بردگی گرفتن اقشار ضعیف، کودک‌کشی، تحریم‌های غیرانسانی، جنگ‌های نظامی و ... برای همگان فاش شده است و در نقض قوانین حقوق بشر، سیاه‌های عریض و طویل دارند. (جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید گزارش «آمریکا ناقض بزرگ حقوق بشر است نه حامی آن»

رقیه شاکر



پروژه سپر طلایی

برخی کشورها با هدف نظارت بر ارتباطات درون‌کشوری، کاهش مراجعه به رسانه‌های خارجی و کاهش حمله‌های اینترنتی، به ساخت شبکه‌ی ملی اطلاعات روی می‌آورند. چنین شبکه‌هایی معمولاً با رسانه‌های تحت اختیار دولت و جایگزین‌هایی برای سرویس‌های خارجی همراه است. در این میان کره شمالی، نمونه‌ی بارز کشوری دارای اینترنت ملی است که اکثریت کاربران آن، به هیچ عنوان اجازه و امکان دسترسی به اینترنت جهانی را ندارند. همچنین اینترنت ملی کره شمالی به شکلی است که اکثریت وبگاه‌ها و شبکه‌های این کشور از بیرون قابل دسترسی نیستند و تنها تعداد محدودی از آن‌ها قابل مشاهده است. البته استفاده از رویکرد کره شمالی، اساساً تجارت و ارتباطات بین‌المللی را دچار مشکل می‌کند اما کنترل و نظارت بر ورودی‌های بین‌المللی، کاربردی است.



چین یکی از کشورهای موفق در ساخت شبکه‌ی ملی اطلاعات است. این کشور، برای اولین بار در سال ۱۹۹۴ به اینترنت متصل شد و در سال ۱۹۹۵ برای عموم عرضه شد. از همان سال، وزارت امنیت عمومی چین بر اساس سیاست‌های کلی دولت چین، اقداماتی را برای کنترل اینترنت شروع کرد. در سال ۱۹۹۷ با تصویب قوانین محتوای مجرمانه، قدم‌های اولیه برای کنترل اطلاعات برداشته شد و در سال ۱۹۹۸ وزارت امنیت عمومی چین، پروژه سپر طلایی را برای کنترل اینترنت و افزایش امنیت سایبری آغاز کرد. بازه‌ی زمانی اجرای پروژه حدود یک دهه بود (۲۰۰۸-۱۹۹۸) که نشان‌دهنده اهمیت ملی پروژه است. تحلیل‌گران معتقدند دیوار بزرگ چین یکی از پیچیده‌ترین سامانه‌های کنترل اینترنت در مقایسه با سامانه‌های مشابه سایر کشورهاست.



شبکه‌ی ملی اطلاعات در چین، یک شبکه‌ی ملی مانند کوانگ میونگ در کره شمالی و رونت در روسیه نیست و اینترنت آن روی سیستم‌های ویژه اجرا نمی‌شود، بلکه یک شبکه‌ی داخلی بزرگ متشکل از سرویس‌ها، اپلیکیشن‌ها و خدمات مختلف است. البته قصد چین، دورکردن مردم خود از فضای بین‌المللی نیست؛ بلکه به «اقتدار مجازی» و «استقلال شبکه‌ای» باور دارد.

小红书

微信



در نتیجه، چینی‌ها خود را از اینترنت جهانی جدا نکردند؛ بلکه یک اکوسیستم جامع از خدمات و برنامه‌های مختلف ملی ایجاد کرده و آن‌ها را جایگزین سرویس‌های جهانی فیلتر شده در این کشور کردند. این شبکه‌ها آن قدر محبوب هستند که اکثریت کاربران اینترنتی داخلی یا خارجی در آن فعالیت می‌کنند. چین برای هر شبکه‌ی اجتماعی که در دنیا وجود دارد، چندین نمونه مشابه چینی دارد تا علاوه بر جلوگیری از تأثیرات سوء شبکه‌های اجتماعی خارجی بر جامعه چین، محدودیت‌ها و مشکلات شبکه‌های اجتماعی خارجی را هم رفع کند. به طور مثال وی‌چت به جای فیس‌بوک، سینا ویبو به جای توئیتر، شیاهانگشو به جای اینستاگرام، یوکو به جای یوتیوب، بایدو به جای گوگل و ... مورد استفاده هستند.



این جایگزینی و جداسازی شبکه‌ی ملی اطلاعات از اینترنت جهانی، نه تنها سبب قطع ارتباط کاربران چینی با سایر کشورها نشد، بلکه این ارتباطات را افزایش داد. چرا که اپلیکیشن‌های چینی مانند تیک‌تاک، به سرعت در جهان محبوب شد و افزون بر مخاطبین داخلی، از خارج چین نیز مخاطبان زیادی را جذب کرد و پس از مدتی به محبوبیتی تقریباً هم سطح با پلتفرم‌های خارجی دست یافت.

از دیگر اقدامات کنترلی صورت گرفته توسط چین، می‌توان به کنترل اطلاعات از مبدأ اشاره نمود. بر این اساس، حکومت چین، صاحبان شبکه‌ها و خطوط خارجی را مجبور به اطاعت از خواسته‌های خود کرده و در غیر این صورت آن شبکه فیلتر خواهد شد. پلتفرم‌های خارجی نیز ناچار شدند برای ادامه فعالیت در کشور چین، از سیاست‌های این دولت پیروی کنند و یا بی‌خیال مخاطبین و کاربران چینی خود شوند. در نهایت غول‌های اینترنتی جهان مثل گوگل، مایکروسافت، یاهو، توئیتر، ویکی‌پدیا و اینستاگرام هیچ کدام نتوانستند از دیوارهای بزرگ این کشور عبور کنند و فعالیتی در این کشور داشته باشند.

می‌توان گفت چین در برابر هجوم الکترونیکی آمریکا بیشترین مقاومت بین‌المللی را نشان داده است و از شیوه‌های مختلفی برای قطع سواستفاده‌ها و تأثیرگذاری‌های پلتفرم‌های آمریکایی از کشور خود استفاده کرده است. در نهایت چین توانست شبکه‌ای با بالاترین حد از استقلال ایجاد کند که بتواند نیازهای مردم را در چارچوب سیاست‌ها و ارزش‌های جامعه در بستری پرسرعت با قیمتی پایین، امن و پایدار، پاسخگو باشد.



ادبیات کودک و نوجوان

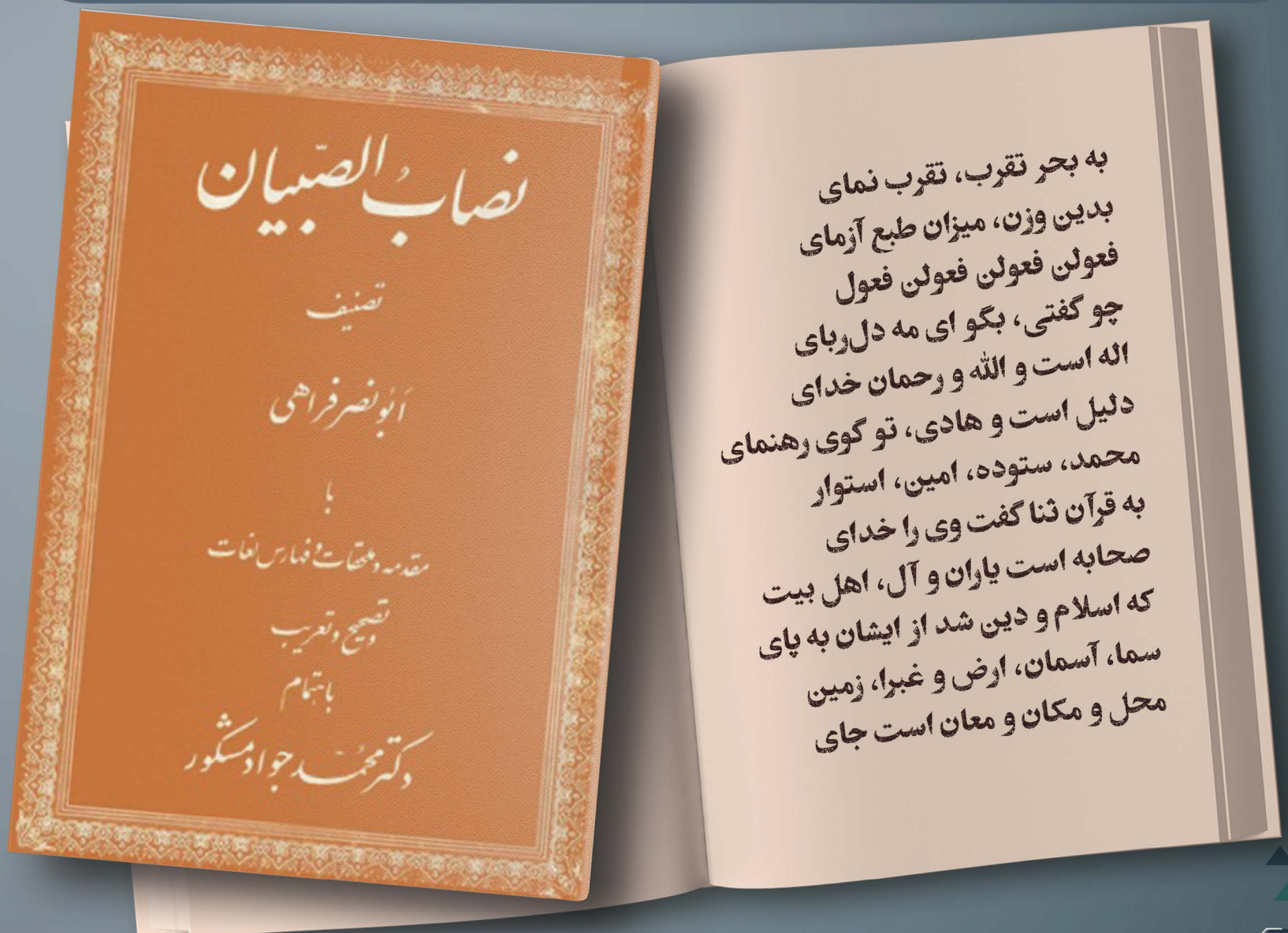
ادبیات کودک و نوجوان به نوشته‌ها و سروده‌های ادبی ویژه‌ی کودکان و نوجوانان می‌گویند. این نوع ادبیات هم شامل بخشی از فرهنگ شفاهی عامه، مانند لالائی‌ها، مثل‌ها و قصه‌ها است و هم داستان‌ها، نمایشنامه‌ها، اشعار و نیز نوشته‌هایی در زمینه‌ی دین، دانش اجتماعی، علم و کاربردهای آن، هنر و سرگرمی را در بر می‌گیرد که نویسندگان و سراینندگان برای کودکان و نوجوانان پدید می‌آورند.

فولکلور یا فرهنگ عامه همچنان که سرآغاز پیدایی همه‌ی هنرهاست، سرآغاز ادبیات و به‌خصوص ادبیات کودکان نیز است. لالایی‌ها، مثل‌ها، ترانه‌های کودکان، افسانه‌های خردسالان، داستان‌های ماجراجویی، حماسی، عاشقانه و اسطوره‌ها که همه زائیده‌ی تخیل و تفکر مردم اعصار مختلف هستند، بنیاد و اساس ادبیات کودکان و نوجوانان را تشکیل می‌دهد. بنابراین ادبیات کودکان سرچشمه در فولکلور و فرهنگ عامه دارد و به کهنسالی زندگی بشر بر روی زمین است.

شاید اغراق نباشد اگر بگوییم ایرانیان از قدیم به امر تربیت کودک توجه ویژه‌ی قائل بوده‌اند و آن را یکی از وظایف مهم والدین می‌دانسته‌اند. به‌طوری که کمتر نوشته‌ی ادبی را می‌توان یافت که به تربیت کودک و ضرورت آن اشاره نکرده باشد.

نخستین فرهنگ‌نامه‌ی کودکان و نوجوانان به نام «نصاب‌الصبیان» توسط ابونصر فراهی در قرن هفتم تدوین شد. فراهی با توجه به حافظه‌ی نیرومند کودکان و دلبستگی آنان به شعر، واژه‌هایی را در شعرهای نصاب‌الصبیان گرد آورد تا کودکان با از بر کردن آن اشعار، واژه‌های عربی هر شعر را به یاد بسپارند. وی همچنین در لابه‌لای شعرهای کتاب، آگاهی‌هایی درباره‌ی قرآن کریم، اصول دین، نام‌ها و القاب پیامبر، امامان شیعه، بیماری‌ها و ماه‌های سال و ... گرد آورده است. نمونه‌ای از اشعاری که در نصاب‌الصبیان آمده به شرح زیر است:

خدیجه عبدالهی



بسیج

عشق داری گر تو با وی در بسیج
در لیاقت هست مصداق سجود
طرّه پر است کان طاووس را
جبهه‌اش بر خالق عالم بلی
عزت و فخر است هر معنای او
تا بر افرازد ز حق رسم و نشان
حفظ جان دیگران سعی‌اش یقین
زان نخستین روزها از عدل و داد
شوکتش بر مؤمنان تمکین بود
از همو دارد هزاران آفرین
هستی‌اش از دل تخافی می‌برد
یک غریب و یک چکامه صد جهان

عشق را پنهان و هم پیدا بسیج
چون به قامت قد رعنا‌ی وجود
قله قاف است آن ققنوس را
یک جهان صدق و صفا در وی جلی
معنی حق است در پهنای او
کرده خود را عبد خالص در میان
جان خود را مطبق اخلاص دین
زین سبب روح خدا بنیان نهاد
هیمنش بر دشمنان خوف آورد
دست در دست امام آخرین
پرتو‌اش نور تجلی می‌زند
مردمرد است هر که دارد این نشان

دکتر حیدر پیرعلیلو





کلیه حقوق اعم از محتوا و قالب طرح محفوظ بوده و متعلق به
بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی می باشد



جهت اطلاع از برنامه های
ماهنامه قلم به کانال ما
در پیام رسان بله پیوندید